

فرهنگ اصطلاحات

پسا-استعماری

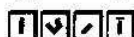
بیل اشکرافت

گاریث گریفیث

هان تیفن

ترجمه‌ی

حاجیعلی سپه‌نوا



سرشناسه:	اشکرافت، بیل، ۱۹۴۶ - م. Ashcroft, Bill
عنوان و نام پدیدآور:	فرهنگ اصطلاحات پسا-استعمار ایل اشکرافت، گاریت گریفیث، هلن تیفن
: ترجمه حاجیعلی سپهوند.	
مشخصات نشر:	تهران: آریاتبار، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری:	۴۰۰ ص.
شابک:	978-600-94359-1-3
وضعیت فهرست نویسی:	فیبا
عنوان اصلی:	Post-colonial studies : the key concepts. Edition 2nd ed , 2009.
داشت:	کتابنامه.
موضوع:	مستعمره ها -- اصطلاح ها و تعبیرها
موضوع:	استعمارزدایی -- اصطلاح ها و تعبیرها
موضوع:	مابعد استعمار -- اصطلاح ها و تعبیرها
موضوع:	نگرش های قومی -- اصطلاح ها و تعبیرها
موضوع:	وابط نژادی -- اصطلاح ها و تعبیرها
شناسه افزوده:	گریف، بی. گرت، ۱۹۴۳ - م.
شناسه افزوده:	Griffiths, Gareth
شناسه افزوده:	تیفین، هلن
شناسه افزوده:	Griffiths, Helen
شناسه افزوده:	سپهوند، حاجی علم، ۱۳۵۱ - مترجم
رده بندی کنگره:	۳۷۱.۹۴۱۳۹۳
رده بندی دیویی:	۳۲۵/۳۰۳

نشر و پژوهش آریاتبار

فرهنگ اصطلاحات پسا-استعماری

نویسندگان: بیل اشکرافت، گاریت گریفیث، هلن تیفن

مترجم: حاجیعلی سپهوند

مدیر تولید: روح اله تبار

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ: اول ۱۳۹۵

قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۳۵۹-۱-۳

نشانی: تهران، خیابان لبافی نژاد، بین خ دانشگاه و خ فخر رازی، پلاک ۱۷۴

۰۹۳۸۸۸۲۴۵۳۳-۰۹۱۲۲۸۴۷۱۰۳-۶۶۴۶۵۲۵۵

r_tabaar@yahoo.com

کلیه حقوق این کتاب برای انتشارات آریاتبار محفوظ است.

فهرست مطالب

۱۰	نظر بیل اشکرافت در مورد اسلام و ایران
۱۱	مقدمه‌ی مترجم
۱۳	مردم اصیل بومی حاشیه‌ای
۱۴	ابطال
۱۵	آفریقایی آمریکایی و مطالعات پسا-استعماری
۱۸	جسارت عمل
۱۹	تمثال
۲۲	دگرگون
۲۴	رسمی
۲۶	ضد استعمارگرایی
۲۹	آپارتاید
۳۲	تصاحب یا متناسب کردن
۳۵	موتق / موثقیت
۳۶	دوگانه‌گرایی
۴۱	سیاهان آتلانتیک
۴۵	مطالعات سیاه‌پوستان / بیداری، سیاه‌پوستان
۴۷	سرزمین‌های مرزی
۴۸	آدم‌خوار
۵۱	کارائیبی / هند غربی
۵۲	کارتوگرافی (نقشه و نقشه کشی)
۵۵	کاتاجر سیس
۵۶	عاملیت تغییر
۵۸	مرکز/حاشیه (پیرامون)
۵۹	کروماتیزم
۵۹	طبقه و پسا-استعمارگرایی
۶۳	میل استعمارگری
۶۴	گفتمان استعماری
۶۷	حمایت مالی استعماری
۶۹	استعمارگرایی
۷۶	مشترک المنافع
۷۶	ادبیات مشترک المنافع
۸۰	کمپراذر
۸۱	منطقه‌ی تماس
۸۳	خوانش چندصدایی

۸۴	گفتمان - متقابل
۸۵	کریئول - ن. ک. به پی جین اکریئولی ها
۸۷	کریئولی کردن
۸۸	گونه گونی فرهنگی/ تفاوت فرهنگی
۹۱	گردشگری فرهنگی
۹۳	استعمارزدایی
۹۸	نظریه ی وابستگی
۱۰۰	با زور بیرون کردن
۱۰۰	راندگی
۱۰۳	گفتمان
۱۰۶	جابه جایی
۱۰۹	است مارشال مضاعف
۱۱۰	اکوفمنیسم
۱۱۳	امپریالیسم بوم شناختی
۱۱۴	امپراتور
۱۱۶	محیط زیست گرایی
۱۱۹	ذات گرایی/ ذات گرایی استاتژ
۱۲۲	قومیت
۱۲۸	قوم نگاری
۱۳۴	روان پزشکی قومی/ روان شناسی قومی
۱۳۵	اروپا محوری
۱۳۷	تبعید
۱۴۰	عجیب و غریب/ اگرای
۱۴۲	کاوش و سفر
۱۴۶	فانونیسم
۱۴۸	فمنیسم و پسا-استعمار گرایی
۱۵۳	نسب/نسبت
۱۵۵	اولین ملت ها
۱۵۷	منطقه ی مرزی
۱۶۰	جهانی سازی
۱۶۶	بومی سازی جهانی
۱۶۸	بومی شدن
۱۶۹	هژمونی
۱۷۱	دور گاهای
۱۷۶	امپریالیسم
۱۸۲	کار قراردادی

۱۸۳	استقلال
۱۸۴	استيضاح
۱۸۴	بینابین
۱۸۶	رناليسم جادوئی
۱۸۸	مانویت
۱۹۰	حاشیه‌بودگی
۱۹۱	مستیز و مستیزاجه/مستیزه
۱۹۳	شکاف مجازی
۱۹۴	کلان، مرکز/کلانشهری
۱۹۶	گذر یان
۱۹۶	نسلید
۱۹۹	ازدواج سفیدپو - با دگر
۲۰۱	تبلیغات مذهبی و ادبی/مارگرایی
۲۰۳	مدرنيسم و پسا-استعماری
۲۰۴	مدرنیته
۲۰۷	مولاتو
۲۰۸	کثرت
۲۰۹	زبان ملت
۲۱۰	ملت‌لهی گرایی
۲۱۸	تمثیل ملی
۲۱۹	جنبش‌های آزادی‌خواه ملی
۲۲۰	بومی
۲۲۳	بومی گرایی
۲۲۵	سیاه اصیل
۲۲۷	نئو-استعمارگرایی/نئو-امپریالیسم
۲۳۰	نئو-لیبرالیسم
۲۳۳	ادبیات جدید
۲۳۴	فرهنگ شفاهی
۲۳۷	شرق‌شناسی
۲۴۰	دیگری
۲۴۳	دگر سازی
۲۴۶	نوشتن روی نوشته‌ی قبلی
۲۴۹	پی‌جین‌ها/کریثول‌ها
۲۵۰	مکان
۲۵۷	بدن پسا-استعماری

۲۶۰	پسا-استعمار گرایی /پسا-استعمار گرایی
۲۶۸	خوانش پسا-استعماری
۲۶۹	دولت پسا-استعماری
۲۷۲	پسا-استعماره
۲۷۷	بدوی گرایی
۲۷۹	نژاد
۲۸۹	راستافاریتیسم
۲۹۱	مذهب و پسا-استعماری
۲۹۵	پنشه‌ی همه جانبه
۲۹۶	وحشی /متمدن
۲۹۸	وحشی بچی
۲۹۸	مقیاس
۲۹۹	مستعمری مقیم
۳۰۱	برده /برده‌داری
۳۰۵	گونه‌پرستی
۳۰۷	فرودست
۳۱۱	سوژه /سوژه‌ی
۳۱۳	ایدئولوژی
۳۱۴	روانکاوی
۳۱۷	گفتمان
۳۱۸	پسا-ساختار گرایی
۳۲۰	نظارت دقیق
۳۲۴	تلفیق گرایی
۳۲۴	هم‌نیروزی
۳۲۵	نستیمونیو (شاهد)
۳۲۷	جهان سوم (اول، دوم، چهارم)
۳۲۹	ترافرهنگی
۳۳۰	ادبیات فراملی
۳۳۱	ترجمه
۳۳۳	جهان شمول گرایی /جهان شمولیت
۳۳۷	اجماع واشینگتون
۳۳۹	سفید بودن
۳۴۴	نظریه‌ی نظام جهانی
۳۴۷	ورود به جهان
۳۴۹	منابع
۳۸۶	نمایه اسم و موضوع

مقدمه‌ی مترجم

این اثر راهنمای مؤثری برای کسانی است که تحولات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ادبی قرن بیستم و بیست و یکم دغدغه‌ی اصلی آن‌ها است. نویسندگان، سه چهره‌ی بزرگ و بنیان‌گذاران مطالعات فرهنگی و ادبی پسا-استعماری هستند که تمام وقت خود را صرف ابهام‌زدایی حوزه‌های معرفتی، گفتمانی و انتقادی چون مدرنیته، مدرنیسم، پست مدرنیته، پست مدرنیسم، جهانی‌شدن، جهانی‌سازی، فمینیسم، مارکسیسم، کاپیتالیسم و رابطه‌ی آن‌ها با پسا-استعمار، پسا-استعمار، پسا-استعمار و پسا-استعماریت نموده‌اند. به همین دلیل مترجم بعد از ترجمه‌ی امپراتوری و امی‌نویسد: رویکرد پسا-استعماری (پست مدرنیسم ادبی، اثر همین نویسندگان و تألیف کتاب پسا-استعمار یا پسا-مدرنیسم) چاره‌ی این اثر را نه تنها ضروری بلکه مکملی برای آثار ذکر شده دانست. چرا که بسیاری از خوانندگان سؤالاتی مطرح کرده‌اند که جواب آن‌ها منوط به خواندن این اثر است. لازم به ذکر است خوانندگان بسیاری از سراسر جهان نیز این اثر به‌عنوان کامل‌ترین و به‌روزترین کتاب مرجع برای درک و فهم مفاهیم کلیدی پسا-استعماری یاد کرده‌اند. چرا که با صراحت به‌ما می‌گوید پسا-استعمار چیست، به چه چیزی می‌پردازد و چه چیزی در شکل‌گیری هویت فرهنگی ما دارای اهمیت است. بنابراین ترجمه‌ی این اثر پاسخی به دغدغه‌ی مترجم و شناسندگان معاصر در خصوص ابهامات مربوط به مطالعات پسا-استعماری در ایران است. یکی از سؤالات اساسی در این زمینه مربوط به ظهور جهانی‌سازی در قرن بیستم و جهانی‌شدن در سایه‌ی کاپیتالیسم و صندوق بین‌المللی پول و جایگاه کشورهای جهان سوم در این عصر است. به عبارت دیگر، جهانی‌سازی نور است یا تاریکی؟ ناپودی بسیاری از فرهنگ‌های بومی خواهد شد. این در حالی است که حوزه‌ی پسا-استعماری با پرداختن به پدیده‌ی استعمار از لحظه‌ی نمود آن تا اکنون، منجر به تدارک فضایی برای صدای همه‌ی فرهنگ‌ها و ملیت‌ها شده است. افزون بر این، به پدیده‌های بسیار پیچیده‌ای چون نئو-استعمار، نئو-امپریالیسم و نئولیبرالیسم و گذر سریع و تحولات اقتصادی امروزه نیز

پرداخته است. این حوزه در تلاش است تا نشان دهد چطور رقابت‌های اقتصادی در غرب منجر به وابستگی کشورهای جهان سوم به کشورهای جهان اول شده است. لذا، مطالعات پسا-استعماری تنها حوزه‌ای است که با جدیت به چنین مسئله‌ای می‌پردازد تا دغدغه‌های مارکسیستی خود را در مورد جهانی‌سازی و توزیع نابرابر سرمایه در مرکز، پیرامون و حاشیه‌ی جهان امروزی ابراز کند. سؤال نهایی این است که آیا جامعه‌ی جهانی در حال پیشرفت است یا پسرفت؟ غرب به‌عنوان عامل اصلی بزرگترین و مخرب‌ترین جنگ‌ها در تاریخ بشر و پرچمدار تمدن و پیشرفت، عجیب‌ترین پراکندگی زمانی ما است. بمباران برخی از کشورها در این عصر بسیار ناجوانانه‌تر از کشتار مردم در جنگ‌های عصر سنگی و بربریت بوده است. بی‌عدالتی و اختلافات طبقاتی بسیار بیشتر از دوران گذشته است. این در حالی است که ما ظاهراً در حال پیشرفت هستیم. انسان دکارتی دیگر نمی‌اندیشد که باشد یا که نباشد. این است که گفتمان غالب، آن را می‌سازد. این هیچی انسان و اراده به سوی قدرت که منجر به این همه مصیبت شده، دغدغه‌ی اصلی مطالعات پسا-استعماری است. چرا که به این مسائل و مسئله‌ی نژاد، نژادستعمار، جنسیت، گفتمان غالب، زبان، ایدئولوژی و نقش آن‌ها در شکل‌گیری هویت فرهنگی و آگاهی ملت‌های مختلف نیز می‌پردازد. و سخن آخر این که رویکرد پسا-استعماری به ما می‌گوید: درست است که سوژه به دام ایدئولوژی (آلتوسر)، گفتمان (فوکو)، یا زبان (لکان) افتاده است اما می‌توان با جسارت بیان دکارتی آن را آزاد کرد و نجات داد.

مردم اصیل/بومی حاشیه‌ای (ABORIGINAL/INDIGENOUS PEOPLE)

بومیان حاشیه‌ای کسانی هستند که در یک منطقه متولد می‌شوند (فرهنگ واژگان انگلیسی آکسفورد). حدود ۱۶۶۷ میلادی بود که کاوشگران، ماجراجویان و دریانوردان، اصطلاح اصیل را برای توصیف ساکنان بومی مکان‌هایی که مواجه می‌شدند، ابداع کردند. با این‌که اصطلاحات "aboriginal" (سکنه‌ی اصیل) و "aborigine" (سکنه‌ی اصلی) بعضاً برای توصیف بومیان حاشیه‌ای در مستعمرات مقیم فراوان استفاده شده‌اند؛ امروزه این اصطلاحات بیشتر برای شکل اختصاری بومیان حاشیه‌ای استرالیا^۱، استفاده می‌شوند. در دوران کنونی، صفت اصیل غالباً به‌عنوان یک اسم عام ستفاد شده است. اما بعضی‌ها معتقدند اصطلاح اصلی، بیش از حد حاوی تداعی‌های موهن و تحقیر آمیز شده است. به‌علاوه، اعتقاد بر این است که این اصطلاح نمی‌تواند مردم بسیار گونه‌گونی را که اشغالگران سفیدپوست استعمارگر به‌عنوان "بومیان" گرد هم آوردند، از هم متمایز کند. اما تأکید بر کاربرد اصطلاحات محلی از قبیل کوری^۲ در جنوب شرقی استرالیا، مانوری^۳ در کوئینزلند، ایندیگ^۴ در استرالیا، غربی برای مردم مختلف و یا گروه‌های زبانی، این نگرش را کم‌رنگ کرده است. اگر چه تمام مردمی که درگیر این مسئله بوده‌اند تاکنون اصطلاح واحدی را نپذیرفته‌اند، اما "مردم اصیل استرالیا" اصطلاحی است که غالباً برای اشاره به بومیان پیشا-استعماری استفاده می‌شود.

اصطلاح "سکنه‌ی اصلی" به همان شیوه‌ای که در استرالیا استفاده شد، در آمریکا نیز به‌عنوان اصطلاحی عام برای بومیان حاشیه‌ای رایج است. مردم مقیم مهاجم (و وارثان آن‌ها)، اصطلاحاتی از قبیل "سرخ‌پوست" و "سرخ‌پوست آمریکایی"^۴ را به کار بردند. این اصطلاحات نیز مانند اصطلاح اصیل در استرالیا، منجر به مفاهیمی موهن و تحقیر آمیز شدند. در قرن

1. Koori

2. Murri

3. Nyoongah

4. Ameridian

بیستم، اصطلاحاتی مانند "اولین ملت‌ها" و "آمریکائیان بومی" که مردم بومی خودشان به وجود آوردند، جایگزین نام‌گذاری‌های قبلی مردم مقیم-مهاجم شدند. این اصطلاح برای توصیف وارثان ساکنان اولیه‌ی مناطق دیگر، از قبیل اُرَنج اصلی^۱ مالزیایی و بورینوی اندونزیایی (کالیمنتن)^۲ یا ساکنان اصیل شبه‌قاره‌ی هند استفاده شده و هنوز نیز استفاده می‌شود. اکنون این ساکنان اصیل هندی را "قبایل زمان‌بندی شده"^۳ و جزیره‌نشینان آندامن^۴ می‌نامند. (ن. ک. به مستعمره‌ی اشغالی جهان سوم)

ابطال (ABROGATION)

ادعا شده که انگد سی^۵ "درست" یا "استانداری" وجود دارد که طبقات یا گروه‌های اصلی از آن استفاده می‌کنند؛ و دیگر لهجه‌های^۶ آن، "پست" یا "نسخه‌های حاشیه‌ی" هستند؛ ابطال یعنی جسارت نویسندگان پسا-استعماری برای نپذیرفتن اصل ما هیم و نگرش‌های هنجارگرا و متناظر. در عمل، ابطال همراه با اصطلاحات (متناسب کردن) به کار می‌رود؛ که فرایندهای سازگار شدن خود انگیسی (E) را توصیف می‌کند؛ و یکی از اجزاء مهم فرضیه‌ی پسا-استعماری است که دعا می‌کند تمامی کاربرد زبان، بدل تقریباً ناهمگنی است (به این معنی که این زبان‌ها بر اساس استانداردهای به ظاهر واقعی، حاشیه‌ای تلقی می‌شوند). بنابراین ابطال، پیدا یا پنهان، آگاهانه یا ناآگاهانه، موضع سیاسی بااهمیت است که تصاحب زبان را امکان‌پذیر می‌کند. ابطال در مورد برابری تمامی اشکال زبان انگیسی بحث می‌کند؛ بنابراین پاسخی است به این نظریه که استعمار شده، استفاده از زبان استعمار کننده، به‌طور اجتناب‌ناپذیری درون معیارهای فکری آن حبس می‌شود: یعنی این نگرش که "شما نمی‌توانید خانه‌ی ارباب را با

1. Orang asli

2. Indonesian Borneo (Kalimantan)

3. scheduled tribes

4. Andaman

5. English

6. english

ایزارهای آریاب تخلیه کنید." ابطال فراتر از این نگرش رفته و استدلال می‌کند خانه‌ی آریاب همیشه مستعد سازگاری بوده و همان ابزارهایش وسیله‌ی دگرگونی فکری و رهایی می‌شوند.

اگرچه ابطال برای توصیف نپذیرفتن زبان استاندارد برای نوشتار ادبیات پسا-استعماری به کار رفته است، اما همانند تصاحب (متناسب کردن) می‌توان آن را برای توصیف گستره‌ی بزرگی از فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی - مانند فیلم، تئاتر، نوشتار تاریخی، سازماندهی سیاسی، شیوه‌های بحث و اندیشه به کار برد. افرادی که درگیر این مسائل هستند می‌توانند هرگونه مفهوم مرکز گرای شیوه‌ی "درست" یا استاندارد انجام امور را ابطال کنند و شیوه‌ی عمل در بستر متفاوتی بازتعریف کنند.

مطالعه‌ی پیشرو اشکاف و دیگران، ۲۰۰۲ زیف و راثو، ۱۹۹۷.

آفریقایی آمریکایی و مطالعات پسا-استعماری

(AFRICAN AMERICAN AND POST COLONIAL STUDIES)

آثار کنونی محققان ایالات متحده در زمینه‌ی مطالعات پسا-استعماری، رابطه‌ی بین نظریه‌ی پسا-استعماری و تحلیل فرهنگ آفریقایی آمریکایی را مورد تأکید قرار داده است (دوسایل، ۱۹۶، ۱). راثو، شارحان فرهنگ آفریقایی آمریکایی، اغلب به شکل منتقدانه‌ای به نظریه‌پردازان کلاسیک پسا-استعماری از جمله قانون پرداخته‌اند. مطالعات آفریقایی آمریکایی یکی از تأثیرگذارترین جنبش‌های فکری، اجتماعی و سیاسی بوده که نه تنها ایالات متحده بلکه بسیاری از مردم دنیا را که از سرکوبی ناشی از تبعیض نژادی رنج برده‌اند، تحت تأثیر قرار داده است. این مطالعات، به شکل آشکار و اغلب جدا از مطالعات پسا-استعماری گسترش یافته است. این حوزه‌ی مطالعاتی، به شیوه‌ی پیچیده و مبهمی با مطالعات پسا-استعماری نیز مرتبط شده است.

اغلب نظریه‌پردازان پسا-استعماری که به این مسئله پرداخته‌اند، مطالعه‌ی فرهنگ سیاه در آمریکا را تا اندازه‌ای به‌عنوان یکی از پراکندگی‌های^۱ عمده‌ی جهان شمرده‌اند. از این لحاظ، تاریخ آمریکایی آفریقایی و جنبش‌های مردم پراکنده و ستمدیده‌ی دیگر، ویژگی‌های مشترکی دارند. گروه‌های زیادی وطن خود را برخلاف میل‌شان ترک کردند تا در راستای نیازهای اقتصادی امپراتوری، در جوامعی خدمت کنند که با موج پیشرفت اروپا از قرن شانزدهم به بعد رشد کردند. مطالعات تطبیقی این جنبش‌ها، پیشرفت ثمربخشی در نظریه‌ی متأخر پسا-استعماری است. این پیشرفت به‌خصوص در بررسی اثرات مختلف این رخدادهای بزرگ بر گروه‌هایی که چنین مطالعات را آشکار می‌کنند، محسوس است.

صورت‌بندی‌های اولیه‌ی مطالعات آمریکایی آفریقایی در ایالات متحده و جاهای دیگر، رابطه‌ی بین فرهنگ‌های آفریقایی مبدأ و جوامع مقصدشان را منعکس کرد. این رابطه‌ی مربوط به زمانی که آفریقائیان در تعامل با تأثیرات مناطق جدید بودند (ن. ک. به سیاه اصیل). مردم آفریقا تحت شرایط بردگی به شکل از ره جابه‌جا شدند؛ این واقعیت باعث شده که رابطه‌ی بین نهاد برده‌داری و کنش‌های گسترده‌تر امپریالیسم، محور اساسی برای شناخت مبدأ فرهنگ آمریکائیان آفریقایی باشد. هم‌چنین این واقعیت باعث بر ملا شدن ستمگری‌هایی می‌شود که اغلب به‌عنوان لفاظی‌هایی چون تمدن‌سازی امپریالیسم پنهان شده بودند (دوک هیل، ۱۹۸۶). اما ورای این واقعیت سرکوبی و تحقیر، رابطه‌ی بین جوامع آمریکایی که از برآ استقلال یافته‌اند و جنبش گسترده‌ی پراکندگی سیاه‌پوستان و جنبش‌های استقلال‌ی مدرن در آفریقا، به شکل پیچیده‌ای باقی می‌ماند.

از دیدگاه تاریخی، تاریخ تلاش آمریکائیان آفریقایی برای خودگردانی با جنبش‌های گسترده‌تر مبارزات پراکنده‌ی آفریقائیان برای استقلال درهم تنیده‌اند. برای مثال، مارکوس گاروی^۲، متولد جامائیکا، نقشی اساسی در

1. diasporas

2. Marcus Garvey

مبارزات آمریکا برای خودگردانی داشت. "جنبش سیاه‌پوستان تا آفریقا" که وی آغاز کرد - و دارای همبستگی با جنبش راستافاریسم^۱ در هند غربی است - جنبش‌های مختلفی را برای بازگرداندن آمریکاییان آفریقایی به آفریقا مورد حمایت قرارداد. پرچم ملی لیبریا^۲، که عمداً برای تسهیل بازگشت بردگان سیاه‌پوست آزادشده به سرزمین "بومی"شان ساخته شد، هنوز حامل تک‌ستاره‌ی شرکت کشتی‌رانی ستاره‌ی سیاه‌گاری^۳ است. افزون بر این، در میان ملی‌گرایان اولیه‌ی آفریقا، چهره‌های برجسته‌ای چون الکساندر کروه^۴ بود داشت که همان بردگان پیشین یا فرزندان بردگانی بودند که ایده‌هایشان در حین مبارزه برای آزادی آفریقاییان آمریکا شکل گرفته بود (ن. ک. به دو وراس، ریاس و باربر ۱۹۹۰؛ آپیه ۱۹۹۲).

البته، مطالعات غربی^۵ نیز آمریکا به شیوه‌ی بسیار مستقیم‌تری با تاریخ و تأثیرات مداوم فرایندهای ویژه تبعیض نژادی در جامعه‌ی ایالات متحده نیز مرتبط می‌شود. از این لحاظ، مطالعات آمریکایی آفریقایی مسائل خاصی را مورد بررسی قرار می‌دهد؛ این مسائل دارای ویژگی‌های مشترکی با دغدغه‌ی گروه‌های دیگر ایالات متحده هستند. مثل جامعه‌ی چیکانو^۶ که تحت تأثیر تبعیض نژادی قرار گرفته‌اند. این مطالعات، علی‌رغم بستر تاریخی بسیار متفاوت‌شان (یکی قربانی اشغال‌گران مهاجم و دیگری قربانی بردگی و تبعید)، با جنبش‌هایی که برای آزادسازی مردم بومی حاشیه‌ای مثل سیاه‌پوستان بومی آمریکا یا مردم اینویت^۷ قیام کردند، مرتبط هستند. هم‌چنین ضروری است که تمایزی بین این گروه‌های گوناگون و گروه‌هایی مثل چیکانوها^۸ قائل شویم. چرا که چیکانوها از لحاظ زبانی، به شکل رادیکالی مورد تبعیض قرار گرفتند و تعداد زیادی از آنها بخشی از مهاجر

1. Rastafarianism

2. Liberia

3. Garvey's Black Star shipping company

4. Alexander Crummell

5. de Moraes-Farias and Barber, Appiah

6. Chicano

7. Inuit

8. Chicano

اخیرتری از مهاجرت هستند؛ البته باید گفت تعدادی از آن‌ها وارثان مردمی هستند که مدتی طولانی قبل از مردم آنگلوساکسون که اکنون غالب شده‌اند، در قسمت‌هایی از ایالات متحده زندگی می‌کرده‌اند. در مورد گروه‌های دیگر از جمله وارثان کریئولی فرانسوی باید گفت؛ اگرچه نگرش و تاریخ‌شان در جامعه‌ی ایالات متحده بسیار متفاوت است اما آن‌ها نیز مکان‌هایی را اشغال می‌کنند که از چند لحاظ با این مردم اسپانیولی زبان متأخر (دوم) همجوارند. به‌همین دلیل و دلایل دیگر، منتقدان مصمم نیستند که مطالعات آمریکایی آفریقایی یا مطالعات مربوط به هر کدام از این گروه‌ها را با تئریه‌ی پسا-استعماری ترکیب کنند. مورد دوم می‌تواند دیدگاه‌های مفصل‌تر ارائه‌کننده، اما مواریدی چون تاریخ مطالعات آمریکایی آفریقایی یا مطالعات رومی آمریکا یا چیکانوئی را به‌عنوان رشته‌های دانشگاهی مجرب؛ با تأثیر سیاسی و اجتماعی ویژه و مستقل در بر نمی‌گیرد. مطالعه‌ی بیشتر: دوسایر ۱۹۱۶؛ فینت ۲۰۰۶؛ گوک-پیرلا ۱۹۹۶؛ گروسر ۲۰۰۵؛ هنچارد ۱۹۷۷؛ مک‌اینٔر ۲۰۰۰؛ موسترن ۲۰۰۰؛ السزن و وورشام ۱۹۹۹؛ اسکولر ۲۰۰۳؛ ساج و شیر ۲۰۰۰؛ ووایز ۱۹۹۵؛ زیگر ۱۹۹۶؛ زیگر و آسینوبی ۲۰۰۲.

جسارت عمل (Agency)

جسارت عمل به توانایی یا قدرت اجرای عمل اشاره می‌کند. در نظریات معاصر، جسارت عمل منوط به این سؤال‌ها است که آیا آزاد می‌توانند عملی را آزادانه و با اتکاء به خود آغاز کنند؟ آیا نمی‌توان گفت تأثیرهایی که هویت افراد را ساخته است، به مفهومی، کنش آن‌ها را نیز تعیین می‌کند؟ جسارت عمل در تئوری پسا-استعماری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا به توانایی سوزده‌های پسا-استعماری برای آغاز عمل جهت درگیر شدن با قدرت امپراتوری یا مقاومت در برابر آن اشاره دارد. در روزگار اخیر، این اصطلاح به عنوان یکی از پیامدهای نظریه‌های پسا-ساختارگرایی درخصوص سوزگی، مورد بحث قرار گرفته است. به‌گفته‌ی پسا-ساختارگرایان، سوزگی

انسان را ایدئولوژی (آلتوسر)، زبان (لاکان)، یا گفتمان (فوکو) می‌سازد، به همین دلیل هر کنشی که از سوژه سر می‌زند بایستی تا حدودی پی‌آمد این سه پدیده باشد.

بر اساس نظریه‌ی گفتمان استعماری بابا و اسپیواک، که با بسیاری از مواضع پسا-ساختارگرایان در خصوص سوزگی موافق می‌باشد، پرسش جسارت عمل یکی از پرسش‌های پر دردسر بوده است. با این وجود، بسیاری از نظریه‌هایی که به اهمیت کنش سیاسی پی برده‌اند، جسارت عمل را بی‌چون و چرا پذیرفته‌اند. آن‌ها اظهار می‌کنند اگرچه گریز سوژه‌ها از اثرات نیروهای که آن‌ها را "می‌سازند" کار آسانی نیست، اما غیرممکن هم نیست. در واقع چنین نیروهای به دلیل این که شناخته شدنی هستند، قابل لغو نیز می‌باشند.

مطالعه‌ی بیشتر: اندرگرافت ۱۹۹۴؛ بابا ۱۹۹۴؛ فانون ۱۹۵۲؛ پارری ۱۹۸۷، ۱۹۹۴؛ اسلمون ۱۹۹۱؛ لئونا، د. ۲۰۰۵؛ ورنر و استولر ۲۰۰۲.

تمثیل (Allegory)

ساده‌ترین تعریف این اصطلاح عبارت است از "وایتی نمادین" که تمامی ویژگی‌های اصلی آن حفظ می‌شوند تا به‌طور نمادین به کنش یا موقعیت خاصی اشاره کند. تمثیل برای مدتی طولانی، ویژگی برجسته‌ی ادبیات و نوشتار اسطوره‌ای در سراسر دنیا بوده است. تمثیل برای نویسندگان پسا-استعماری از اهمیت خاصی برخوردار است زیرا انسجام و کلیت مفاهیم تاریخ معیار، واقع‌گرایی کلاسیک و بازنمایی امپراتوری را در هم می‌شکند. تمثیل نقش مهمی در گفتمان امپراتوری ایفا کرده است. در این گفتمان، نقاشی‌ها و مجسمه‌ها اغلب به‌عنوان تمثیل‌هایی از قدرت امپراتوری بوده‌اند. برای پاسخ دادن به این نقش تمثیل، پسا-استعمارگران آن‌را تصاحب (متناسب) کرده و غلبه‌ی امپراتوری را به شکلی تمثیلی بازنمایی می‌کنند. فریدریک جیمسون در "ادبیات جهان سوم در عصر کاپیتالیسم چندملیتی" (۱۹۸۶)، بحث جنجال‌برانگیزی ارائه کرده است. او معتقد است

تمامی ادبیات جهان سوم، در واقع تمامی ساختارهای فرهنگی جهان سوم، تمثیل‌هایی ملی هستند. آیجاز احمد^۱ سرشت همگون‌ساز این جمله را به شدت به باد انتقاد گرفت. اما از دید استفن اسلمون، اشتباه واقعی این نظریه این است که مفهوم اروپامحوری از تمثیل ادبی را انتخاب نموده و آن را برای جوامع استعمارشده به کار می‌گیرد. به گفته‌ی اسلمون، می‌توان تمثیل را بیشتر به عنوان کارکردی از "وضعیت پسااستعماری" محسوب کرد. چرا که تمثیل همیشه شیوه‌ی غالبی از بازنمایی استعمار بوده و بنابراین تبدیل به شکل ارزشمند و خاصی می‌شود که در آن ادبیات پسا-استعماری می‌تواند رهنمون‌اشال گفتمان-متقابل باشد.

این سخن به این معنی است که فرهنگ‌های پسا-استعماری در وهله اول می‌توانند اثر مثالی برای "خوانش" متن استعمارگرا استفاده کنند (اسلمون آ ۱۹۸۷: ۱۱). بنابراین استعمارگرایی قسمت عمده‌ی زندگی تبعه‌ی [سوزه] استعمار شده را می‌سازد. یعنی، استعمارگرایی این زندگی را به طور استعاری نوشته است. از این رو تمثیل تبدیل به شیوه‌ای می‌شود که با آن چنین نوشتاری می‌تواند مورد جدل قرار گیرد. اما نویسندگان پسا-استعماری تمثیل را به شیوه‌های دیگری نیز به کار برده‌اند. به عنوان مثال، گروهی از تمثیل‌های پسا-استعماری از قبیل "یک مثل افغانی" اثر ایی کوئی آرماء^۲، در جستجوی جدال با مفاهیم استعمارگرا یا اروپامحور تاریخ هستند. متون دیگری مثل "بومیان شخص من" اثر لمینگ^۳، یا "برائت‌بار بربرها" اثر کوئتری^۴، حاوی تمثیل‌هایی هستند که شیوه‌های کاربرد تمثیل را در طی استعمار شدن، آشکار می‌کند. برای مثال، در متن کوئتری، یک دانش‌آموز در مرزهای امپراتوری و امپریالیسمی که اسمش برده نشده، منزوی شده است. او روابط صلح‌آمیزی با مردم آن سوی مرز دارد اما زمانی که پلیس سری و برجسته‌ای از آن جا دیدن می‌کند و دوباره آن‌ها را به عنوان "بربرها"

1. Aijaz Ahmad
2. Ayi Kwei Armah
3. Lamming
4. Coetzee

طبقه‌بندی می‌کند، این روابط صلح‌آمیز به هم می‌خورد. این واقعه سبب می‌شود که این دادرس برای اولین بار حقیقت جامعه‌ای را که در آن زندگی می‌کند، به‌طور کامل بفهمد.

اگرچه این متون مستقیماً به موقعیت‌های استعماری خاصی نمی‌پردازند، اما تمثیل‌گویی از ایدئولوژی زیربنایی استعمار ارائه می‌کنند. متون دیگری مثل "تورمالین" اثر راندولف استوو^۱ یا "این زمین، برادر من" اثر کوفی اوونور^۲، اشکال تمثیلی را دوباره مورد استفاده قرار داده تا سنت‌های منسجم را با هم برآورد. سم‌بینا فرهنگی جابه‌جا کنند. برای مثال در رمان استوو، توصیف شهر معدن تورمالین واقع در غرب استرالیا از زاویه‌ای آغاز می‌شود که این شهر در جاماندازی قدیمی‌تر از سنت‌های رؤیایی و فرهنگ‌های اصیل استرالیایی قرار می‌دهد. نیروهای عظیم بیابان و آسمان - نه صرفاً به‌عنوان پشت صحنه بلکه به‌عنوان نمادهایی از شیوهی متفاوت و پیچیده‌تری از تصور رابطه انسان، طبیعت و دنیای طبیعی - دنیای محدود این شهر سفید و کوچک را احاطه می‌کنند. در این موارد، تمثیل پسا-استعماری به اندیشه‌های روایی استعمار^۳ رایی از جمله اجتناب‌ناپذیری "توسعه"، "پیشرفت"، "تمدن"، غلبه دیدگاه تاریخ خطی، و دیدگاه اروپامحور به "امر واقعی" حمله نموده و آن‌ها را در هم می‌شکنند. بدین ترتیب، تمثیل پسا-استعماری در متون پسا-استعماری، تکیه بر مقاومت می‌شود؛ چرا که این حقیقت را تقویت می‌کند که رویدادهای "واقعی"، افق‌های متعدد معنا را اشغال می‌کنند.

مطالعه‌ی بیشتر: احمد ۱۹۹۲؛ بوچانان ۲۰۰۳؛ قانون ۱۹۹۷؛ هال ۲۰۰۰؛ جیمسن ۱۹۸۶؛ سان جو آن ۱۹۹۶؛ اشمیت ۲۰۰۰؛ اسلمون ۲۰۰۱؛ ازمن ۲۰۰۶.